

حمایت حقوق بین‌الملل از کودکان متولد از زنان قربانی خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه

شهرام زرنشان *

ریحانه زندی **

شناسه دیجیتال اسناد (DOI): 10.22066/CILAMAG.2019.81557.1456

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۴

چکیده

تجاوز به‌عنف و خشونت جنسی در اشکال مختلف، از شنیخ‌ترین پیامدهای مخاصمات مسلحانه و از معضلات عمده در حقوق بشردوستانه به‌شمار می‌رود. با وجود مطالعات فراوان و قواعد نسبتاً جامعی که در حمایت از زنان در چنین شرایطی از سوی واضعین قواعد بین‌المللی وضع شده است، استمرار وقوع گسترده و شدید این جرم علیه بشریت، هرچند با شدتی کمتر از گذشته، غیرقابل انکار است. اما آنچه اهمیت این موضوع را بیشتر نمایان می‌سازد، یکی از اسف‌بارترین نتایج این اعمال، یعنی تولد کودکانی در نتیجه چنین تجاوزاتی است که در پژوهش حاضر، «کودکان جنگ» نامیده شده‌اند. برآورد شده است که تنها در دهه گذشته، ده‌ها هزار کودک در نتیجه تجاوزات دسته‌جمعی یا بهره‌کشی‌های جنسی علیه زنان در خلال جنگ‌ها متولد شده‌اند. این کودکان در تمام طول عمر خود، عمیقاً از تحولات اجتماعی جامعه تأثیر پذیرفته و به دلیل ریشه‌های زیست‌شناختی خود، آسیب‌های فراوانی متحمل می‌شوند. نگاهی هرچند گذرا به این موضوع، خلأ بسیار جدی و شکاف عمیق در نظام حقوقی بین‌المللی را در خصوص حمایت از این قشر آسیب‌پذیر آشکار خواهد نمود؛ امری که نه‌تنها به اقدامات در عرصه قواعد داخلی و بین‌المللی، بلکه به اعمال نظارتی ویژه نیازمند است و این مهم، دخالت دیگر اعضای جامعه بین‌المللی، یعنی سازمان‌های بین‌المللی را ایجاب می‌کند.

واژگان کلیدی

کودکان جنگ، مخاصمات مسلحانه، خشونت علیه زنان، حقوق بین‌الملل

* szarneshan@yahoo.com

** r.z.judge94@gmail.com

* نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه بوعلی سینا، همدان

** کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل از دانشگاه قم

مقدمه

جامعه جهانی با هر بار تجربه مخاصمات مسلحانه، از هر قسم به این نتیجه دست می‌یابد که آثار آن مخاصمات بسیار فراتر از تصور است.^۱ انواع متعددی از خشونت‌ها اغلب به‌طور گسترده و نظام‌مند صورت می‌پذیرد که نشانه‌ای از سبعیت چهره واقعی جنگ است. شاید بتوان گفت نقطه اوج چنین خشونت‌هایی در اقدامات گروه تروریستی داعش در طول سال‌های اخیر قابل مشاهده است.

یکی از بدترین نوع خشونت‌ها، خشونت جنسی و تجاوز به‌عنف نسبت به زنان غیرنظامی مناطق اشغال‌شده از سوی سربازان دشمن است که تاریخچه آن به قدمت خود جنگ است.^۲ واقعیت آن است که جامعه بین‌المللی، به‌ویژه در چند دهه اخیر، توجه زیادی به حفاظت از زنان و دختران در خلال مخاصمات نشان داده است ولی شاید کمتر به وضعیت کودکانی که در نتیجه چنین تجاوزاتی متولد می‌شوند توجه شده باشد؛ مسئله‌ای که عمری به قدمت خشونت علیه زنان در خلال مخاصمات دارد، اما در اسناد بین‌المللی هنوز تولد نیافته است.

پس از وقایع وحشتناک در درگیری‌های نیکاراگوئه، با فروپاشی یوگسلاوی سابق در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی، صدها کودک در اثر تجاوزات جنسی در آن زمان، از زانی که تمایل به داشتن چنین فرزندان نداشتند متولد شدند.^۳ در نتیجه، بسیاری از این زنان، فرزندان ناخواسته خود را ترک کردند و از این میان، زانی که تصمیم داشتند فرزندانشان را نگه دارند، با طرد و فقر شدید مواجه شدند.^۴ در رواندا، بین ۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ کودک در نتیجه خشونت‌ها و تجاوزات جنسی علیه زنان متولد شدند. این کودکان اغلب مورد نفرت مردم بوده و آن‌ها را «کودکان بد» یا «کودکان نفرت‌انگیز» می‌خواندند و تقریباً از تمامی حقوق شهروندی خود محروم بودند. اما نوزادان جنگ در یوگسلاوی سابق، به دلیل اینکه به‌عنوان نمادی از قساوت دشمن، مورد استفاده‌های متعدد رسانه‌ای قرار می‌گرفتند، شرایط نسبتاً عادلانه‌تری داشتند.^۵ قربانیان تجاوزات جنسی در کوزوو، اغلب یا از

1. Claudia García-Moreno, and Marleen Temmerman, "Commentary: Actions to End Violence against Women: A Multi-Sector Approach", Available online at: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4318090/>.

2. مولوردی، شهیندخت؛ کالبدشکافی خشونت علیه زنان، حقوقدان، ۱۳۸۵، ص ۸۶.

3. Niarchos, Catherine, "Challenges Facing the International Tribunal", *Human Rights Quarterly*, 1995, vol. 17, no. 4, p. 18; Drakulic, Slavenka, "Women Hide Behind a Wall of Silence", *The Nation*, 1993, Mar. 1, vol. 54, no. 18, p. 23; Stigalmeyer, Alexandra, "Mass Rape: The War against Women in Bosnia-Herzegovina Lincoln", *University of Nebraska Journal*, 1994, vol. 15, no. 5, p. 112.

4. Toomey, Christine, "Cradle of Inhumanity", *Sunday Times*, 2003, Available online at: www.fmreview.org/FMRpdfs/FMR15/fmr15.7.pdf, Accessed: 1/2/2017, p. 15.

5. Stanley, Penny, "Reporting of Mass Rape in the Balkans: Plus Ça Change, Plus C'est Meme Chose? from Bosnia to Kosovo", *Civil Wars*, 1999, vol. 2, no. 2, p. 35.

سوی خانواده‌های خود وادار به خودکشی شدند یا نوزادان خود را کشتند.^۶ کنگو و تیمور شرقی از جمله دیگر کشورهایی هستند که زنان بومی آن‌ها در خلال مخاصمات مسلحانه، مورد تجاوز نیروهای متخاصم و حتی بعضاً نیروهای حافظ صلح، قرار گرفتند. این فجایع، منجر به تولد «کودکان جنگ» شد.^۷ همچنین دیگر شواهد این ماجرا را می‌توان در بارداری بسیاری از زنان عراقی در نتیجه تجاوزات و خشونت‌های جنسی سربازان امریکایی^۸ و لیبی ملاحظه کرد، اما آخرین و شدیدترین بخش‌های این فاجعه انسانی را باید در طول سال‌های اخیر و طی جنایات گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق ملاحظه کرد که کشورهای قربانی از بیان آن سر باز می‌زنند. با وجود تولد تعداد بسیاری از این کودکان و وضعیت اسفبار اکثر آنان پس از تولد، جامعه بین‌المللی هرگز به‌طور جدی اندیشه حمایت از این کودکان را در سر نداشته است. فقدان هرگونه سند یا اقدام بین‌المللی در خصوص حمایت از این کودکان، شاهدهی بر این مدعاست.

پژوهش حاضر در نظر دارد به این موضوع مهم بپردازد که کودکان حاصل از تجاوز و خشونت جنسی، برده‌داری یا بهره‌کشی جنسی علیه زنان در زمان جنگ که قشری با آسیب‌پذیری مضاعف نسبت به دیگر کودکان هستند، به‌طور خاص، مستحق دریافت حمایت‌هایی هستند که تا کنون از آن محروم بوده‌اند، چرا که اینان علاوه بر کودک‌بودن، با شناخته‌شدن به‌عنوان ننگ برای جامعه و بازخوردهای منفی متعدد ناشی از این نوع نگرش، در شرایط حساس و بسیار سختی قرار می‌گیرند. تجربه مشترک همه این کودکان، برخورد طردکننده جامعه با آن‌هاست.^۹ برچسب‌هایی از قبیل «نامشروع»، «فرزند دشمن»، محرومیت از بسیاری از حقوق انسانی و شهروندی، مشکلاتی است که این کودکان همواره با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. در لابه‌لای اسناد بین‌المللی، موضوعاتی مانند حفاظت از کودکان در مقابل تجاوز جنسی، تبعیض، سربازگیری، اعدام و مجازات ملاحظه می‌شود،^{۱۰} اما این موضوع به‌شدت مورد بی‌توجهی قرار گرفته و حتی در زیرمجموعه این مسائل نیز ذکر نشده است.

6. Smith, Helena, "Rape Victims Babies Pay the Price of War", *The Observer*, 2000, Available online at: www.theguardian.com, Accessed: 27/2/2017, p. 16.

7. Grieg, Kai, "The War Children of the World", Report from the "War and Children Identity Project" in Bergen, Norway, 2001, Available online at: www.warandchildren.org, Accessed: 18/10/2016, p. 12; Naik, Asmita, "Protecting Children from the Protectors: Lessons from West Africa", 2002, Available online at: www.fmreview.org/FMRpdfs/FMR15/fmr15.7.pdf, Accessed: 2/1/2017, p. 25; Enloe, Cynthia, *Maneuvers: The International Politics of Militarizing Women's Lives*, University of California Press, 2000, p. 19.

8. Harding, Luke, "The Other Prisoners", *London Guardian*, May 20, 2004, vol. 15, no. 6, p. 32.

9. Salzman, Paul, "Rape Camps as a Means of Ethnic Cleansing", *Human Rights Quarterly*, 1998, vol. 20, no. 2, p. 35.

۱۰. لطفی، عبدالرضا، نادر اخگری بناب و محمدرضا فقهی؛ اشخاص مورد حمایت در مخاصمات مسلحانه، هستی‌نما، ۱۳۹۱،

است.^{۱۱} بیشترین گزارش‌ها و حمایت‌ها به تأثیرات جنگ بر کودکان پرداخته و به مسائلی از قبیل قتل، آسیب روحی، ازدست‌دادن اعضای خانواده، قطع عضو و آوارگی توجه کرده‌اند اما هیچ‌یک به موضوع کودکی که در خلال مخاصمه مسلحانه و در نتیجه تجاوز جنسی سربازان دشمن علیه زنان متولد شده و از همان ابتدا از جمله با مشکلات هویتی مواجه است، چگونگی حمایت از او و آثار آن بر جهان آینده توجهی نشان نداده‌اند. تا کنون هیچ سازمان بین‌المللی در حوزه حقوق کودک، منابع مالی برای مطالعه وضعیت این‌گونه کودکان اختصاص نداده است. پژوهش حاضر در پی ارزیابی نقاط قوت و ضعف حقوق بین‌الملل در حمایت حقوقی از این کودکان است؛ چنین پژوهشی امکان خواهد داد تا وضعیت حقوقی حمایت از کودکان جنگ دقیقاً مطالعه شود و بتوان به ارائه راه‌حل‌هایی عملی در این خصوص نائل آمد.

۱. کودکان جنگ و نگرشی بر سیاست‌های دولتی

وضعیت کودکانی که در نتیجه تجاوز به‌عنف یا بهره‌کشی جنسی در موقعیت درگیری مسلحانه متولد شده‌اند، عموماً با سکوت یا اجتناب از سوی دولت‌ها همراه بوده و همین امر موجب شده که حقوق آن‌ها نسبت به برخوردارگی از آموزش و پرورش، خانواده، هویت، امنیت جسمانی و حتی زنده ماندن به‌شدت نقض شود.^{۱۲}

مسئله قابل بحث، وضعیت حقوق بشری این کودکان در رویه عملی موجود با توجه به آثار جنگ بر غیرنظامیان و به‌طور خاص، کودکان است. کودکان متولدشده از قربانیان خشونت‌های جنگ به لحاظ نظری و به‌عنوان افراد انسانی از همه حقوق شناخته‌شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد حقوق بشری عام، از جمله حق حیات و حق رهایی از تبعیض ناروا^{۱۳} برخوردارند. به‌علاوه برخی از اسناد حقوقی، رفتار با کودکان را از منظر حقوق بین‌الملل بشر، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ تنظیم می‌کنند و همه این اسناد اصولاً بی‌طرف هستند، به این معنا که حقوق بشر کودکان تدوین شده تا به نحو قانونی نسبت به همه کودکان، بدون توجه به جنسیت، تابعیت، مذهب، اصل و منشأ اجتماعی یا زیست‌شناختی اعمال شوند.

پرسشی که باید طرح شود، تأثیر این حقوق بر امنیت جانی و حقوق هویتی کودکان جنگ است. به نظر می‌رسد که عمده حقوق شناخته‌شده در کنوانسیون حقوق کودک، قابل اعمال نسبت

11. Bronze, Guidestar, "Rape Definition", Available at: www.familycrisisfoundation.com, Accessed: 3/6/2016.

12. Carpenter, R. Charli, "Gender, Ethnicity and Children's Human Rights: Theorizing Babies Born of Wartime Rape and Sexual Exploitation", *Department of Politics and International Relations*, 2009, vol. 15, no. 6, p. 223.

13. Kelsall, Tim, "Truth, Lies, Ritual: Preliminary Reflections on the Trust and Reconciliation Commissions in Sierra Leone", *Human Rights Quarterly*, 2005, vol. 27, no. 2, p. 362.

به کودکان جنگ نیز هست. به‌عنوان مثال، در برخی موارد، حمایت از کودکان در برابر بدرفتاری می‌تواند با حق کودک نسبت به تأمین بهترین منافع وی مرتبط باشد.

چرا هیچ حمایت قانونی خاصی برای این دسته از کودکان در حقوق بین‌الملل وجود ندارد و چرا با وجود شناسایی جرایمی از قبیل بارداری اجباری و بردگی جنسی به‌عنوان جرایم بین‌المللی، حقوق بشر کودکان مورد بحث میهم مانده است؟ شاید بتوان گفت در حقوق بین‌الملل موجود، خانواده و دولت به‌عنوان دو محور اساسی تضمین حقوق و هویت‌های فردی مورد اتکا هستند اما این دو محور با برخی هنجارهای هویتی و جنسیتی به‌غلط تثبیت شده، احاطه شده‌اند.^{۱۴} پرسش دیگر این است که آیا قواعد بین‌المللی موجود در حقوق بین‌الملل برای رسیدگی به آسیب‌های خاصی که کودکان متولدشده از فحش‌های اجباری زنان در خلال جنگ متحمل شده‌اند، کافی و مناسب است؟ با صرف انتقاد از قوانین موجود نمی‌توان پاسخ این پرسش‌ها را یافت، بلکه این امر مستلزم بررسی دقیق نهادهای اجتماعی و سیاسی محلی، منطقه‌ای و جهانی مرتبط با الگوهای ساختاری و تفسیری موضوع است.

یکی از مهم‌ترین نقاط تمرکز برای تحقیق، رویکرد دولت‌ها در پاسخگویی به شرایط وخیم کودکان جنگ و استعمار آن‌ها به‌عنوان موضوع حقوق بشری است. این نکته باید روشن شود که چه عامل یا عواملی دولت‌ها را قادر به نادیده‌انگاری یا حتی ایجاد چنین پیامدهایی می‌کند. برخی معتقدند تجاوز به‌عنف و تأثیر فعل یا ترک فعل دولت بر این کودکان و مادران آن‌ها مسئله سیاسی شده است. همان‌گونه که کینسیا/نلو بیان داشته است، دسترسی به زنان محلی برای سربازان و نیروهای حافظ صلح، اغلب از طریق مذاکرات دیپلماتیک - نظامی بین دولت‌ها ایجاد شده است که پذیرش این نظریه با توجه به واقعیات موجود، دشوار به نظر می‌رسد.^{۱۵}

۲. کودکان متولدشده از زنان قربانی تجاوز به‌عنف و خشونت‌های جنسی؛ تأثیرپذیری‌ها و تأثیرگذاری‌ها

برآورد شده است که تنها در دهه گذشته، ده‌ها هزار کودک در نتیجه تجاوزات دسته‌جمعی یا بهره‌کشی‌های جنسی علیه زنان در خلال جنگ‌ها و اقدامات گروه‌های تروریستی متولد شده‌اند. بنابراین در لزوم حمایت از این کودکان و بررسی راهکارهای حقوقی موجود و قابل اعمال در خصوص تحقق هرچه بیشتر حقوق بشر این قشر آسیب‌پذیر، تردیدی وجود ندارد؛ همچنین آگاهی از این امر که کدام دسته از حقوق بشر این گروه، به چه نحو و از جانب کدام بازیگران بین‌المللی

14. Carpenter, R. Charli, *Born of War: Protecting Children of Sexual Violence Survivors in Conflict Zones*, Kumarian Press, 2007, p. 26.

15. Gaylor, Albert, "The Legacy of Peacekeeper's Kids in Liberia", *Public Agenda*, 2001, March 13, vol. 15, no. 5, p. 4.

نقض شده و این امر چه تأثیراتی بر وضعیت آینده جامعه بین‌المللی خواهد داشت، نیازمند بررسی دقیق و تحلیلی بوده و لزوم ارائه راهکارهایی در خصوص مقابله با وقوع چنین معضلی را روشن می‌کند.^{۱۶}

۱-۲. تأثیرپذیری‌ها

خسونت جنسی و تجاوز از جمله تبعات اجتناب‌ناپذیر جنگ است. اما در این میان کودکان بسیاری نیز به‌عنوان نتایج چنین اعمال وحشیانه‌ای متولد می‌شوند. این کودکان در تمام طول عمر خود عمیقاً از تحولات اجتماعی جامعه تأثیر پذیرفته و به دلیل ریشه‌های زیست‌شناختی‌شان، آسیب‌های فراوانی می‌بینند. با توجه به گزارش‌ها و شواهد موجود، غالباً آن‌ها به‌عنوان ننگ نگریسته شده و به‌عنوان افرادی مطرود جامعه، با واکنش‌های تبعیض‌آمیز فراوانی مواجه می‌شوند و با توجه به آسیب‌پذیری‌شان، اغلب می‌توان آن‌ها را در میان کودکان کار، کودکانی که در خیابان‌ها زندگی می‌کنند و کودکانی که برای قاچاق مواد مخدر استفاده می‌شوند، جستجو کرد.^{۱۷} در سنین بالاتر، غالباً به‌عنوان افراد بی‌تابیت، در تلاش برای بهبود وضعیت اجتماعی و امنیتی خود، در میان قوانین تبعیض‌آمیزی که نسبت به آن‌ها بی‌ثمر هستند، سرگردان می‌مانند. در سنین بزرگسالی نیز اکثراً افرادی بی‌هویت خواهند بود که برای یافتن سابقه و نشانی از والدین خود به جایی نمی‌رسند. ابتلای احتمالی به بیماری ایدز از بدو تولد، فقر، عدم برخورداری از حقوق شهروندی و طرد از سوی خانواده، تنها بخش کوچکی از مشکلات متعدد چنین کودکانی هستند.^{۱۸}

۲-۲. تأثیرگذاری‌ها

شخصیت هر انسانی از طیف وسیعی از عواملی که از بدو تولد در زندگی او مؤثر بوده است شکل می‌یابد و دوران کودکی، رابطه مستقیمی با دوران بزرگسالی دارد.^{۱۹} کودکان جنگ از بدو تولد از بسیاری از امکانات اولیه زندگی محروم و اغلب شاهد مقابله جامعه با دسترسی آنان به امکانات هستند. این کودکان از ابتدای تولد همواره با دیگر کودکان متفاوت پنداشته می‌شوند و در عین

16. Daniel, Joana, "No Man's Child: The War Rape Orphans", MA Thesis, *Ludwig Boltzmann Institute for Human Rights*, 2003, vol. 36, no. 5, p. 119.

17. Gaggioli, Gloria, "Sexual Violence in Armed Conflicts: A Violation of International Humanitarian Law and Human Rights Law", *International Review of the Red Cross*, 2015, Available online at: www.icrc.org. Accessed: 11/9/2016, p. 41.

18. Center for Investigation and Documentation (CID), "I Begged Them to Kill Me: Crimes against the Women of Bosnia-Herzegovina", Sarajevo: *Association of Former Prison Camp Inmates of Bosnia-Herzegovina*, 2000, vol. 25, no. 5, p. 89.

19. Keck, Margaret; Sikkink, Kathryn, *Activists Beyond Borders: Advocacy Networks in International Politics*, Cornell University Press, 1998, p. 45.

تماشای برخورداری همسالان خود، از تبعیضی که در حق آنان روا داشته می‌شود رنج می‌برند. از سرپرستی پدر محروم، اما از ننگ داشتن چنان پدری مورد تحقیر و آزار اعضای جامعه قرار می‌گیرند. بسیاری از این کودکان با آگاهی از اینکه مادرانشان آنان را رها کرده‌اند، در کوچه و خیابان زندگی می‌کنند یا با داشتن مادر، به دلیل شباهت‌ها و نشانه‌های یادآوری که از پدر با خود دارند مورد بی‌مهری مادر قرار می‌گیرند، در جامعه با برچسب‌زنی و تحقیر و در محیط خانه، با خشونت و بی‌مهری مواجه می‌شوند و با تفکر اضافه‌پنداری خود در جامعه رشد می‌کنند. چنین افرادی، خیلی سریع‌تر به گروه‌های تروریستی، شورشی، جنگ‌طلب و جامعه‌ستیز جذب می‌شوند و در این مسیر، مسلماً خشم، نفرت و کینه‌ای را که در سراسر عمر با آن مواجه بوده‌اند، به جامعه بازخواهند گرداند. بسیاری از این افراد، عوامل اساسی اقدامات متعدد تروریستی و بمب‌گذاری‌های انتحاری، رهبران شورشی مخالف ساختارهای اساسی جامعه و در مواقعی عاملان اصلی جنگ هستند.^{۲۰} علت اساسی این امر، درک نادرست مردم جامعه از بی‌گناهی کودک است که شاید بار تمام جنگ را بر دوش او قرار می‌دهند غافل از اینکه گرچه اکنون بار اصلی جنایاتی که در جنگ رخ داده بر دوش این کودک نیست، ممکن است در جنگ بعدی این‌گونه باشد. اگر امروز کودکان جنگ به درستی جایگاه خود را در جامعه نیابند، عاملان جنگ فردا خواهند بود. در این روند شاید بزرگ‌ترین وظیفه حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تدوین قواعد و ایجاد ضمانت‌اجراه‌های هرچه بیشتر و قوی‌تر برای جلوگیری از اعمال خشونت‌های جنسی در جنگ باشد. در مرحله بعد، ایجاد نهادهای قابل رجوع برای زنان قربانی تجاوز به منظور دسترسی به عدالت، نه تنها عاملی برای مجازات مرتکبان، بلکه به نوبه خود، عاملی بازدارنده در ارتکاب این جنایات نیز خواهد بود. برقراری برخی تمهیدات بین‌المللی از قبیل تصویب کنوانسیون مستقل که دولت‌ها را ملزم به حمایت از این دسته از کودکان و جلوگیری از اعمال تبعیض‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر ضد آن‌ها کند از جمله اقدامات قوی خواهد بود که باید در حمایت از این کودکان به عمل آید چرا که کودکان جنگ، بیش از هر چیز نیازمند تصویب سند الزام‌آور مستقلی در حمایت از آنان هستند. به دلیل نیاز ویژه این قشر به حمایت مضاعف، کنوانسیون حقوق کودک در عمل در حمایت از چنین کودکانی کارایی چندانی نداشته است؛ ضمن اینکه نمی‌توان تأثیر فعالیت‌های سازمان‌های حقوق‌بشری و ایجاد برنامه‌های آموزشی در کشورها، تشویق مادران برای نگاهداری و حمایت از فرزندان خود و ایجاد درک مناسب و صحیح از کودکان جنگ را نادیده انگاشت.

20. Becirbasic, Belma; Dzenana Sestic, "Invisible Casualties of War", *Institute for War and Peace Reporting*, 2002, vol. 16, no. 3, pp. 42-43.

۳. مقابله با خشونت علیه زنان در حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ پیشگیری و کاهش تولد کودکان جنگ

خشونت جنسی علیه صدها هزار زن و کودک در سراسر دنیا واقعیتی تلخ است. این اعمال در طول تاریخ، اغلب به‌عنوان تاکتیکی جنگی برای تخریب غرور و شرافت ملی به کار رفته است که نه تنها فرد قربانی، بلکه کل جامعه وی را تحت تأثیر قرار داده و موجبات تخریب فرهنگ و هویت آن را فراهم می‌آورد. خشونت جنسی در طول تاریخ، چه در عهدنامه‌های بین‌المللی مربوط به مخاصمات مسلحانه و چه در میان آرای محاکم بین‌المللی کیفری، نه تنها دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا، جنایت بین‌المللی قلمداد شده و دارای عناوین مجرمانه متعددی است.

اصطلاح «خشونت جنسی» به بسیاری از جرایم مختلف از جمله تجاوز جنسی، فحشای اجباری و بارداری اجباری اشاره دارد که عوامل بسیاری در ایجاد انگیزه برای انجام آن‌ها مؤثرند. همان گونه که گزارشگر ویژه سازمان ملل در موضوع منع شکنجه و همان طور دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی و رواندا تأکید کرده‌اند، خشونت جنسی در واقع از اشکال شکنجه فیزیکی محسوب می‌شود. امروزه اعمال خشونت جنسی مصادیق، اشکال و ابعاد گوناگونی پیدا کرده است. از جمله مهم‌ترین آن، تجاوز به‌عنف، بارداری اجباری، بردگی جنسی، فحشای اجباری و عقیم‌سازی اجباری است که تحقیر، خفت و خواری، انقیاد و صدمات جدی جسمی و روحی را به همراه دارد.^{۲۱} جنایت بارداری اجباری^{۲۲} که برای اولین بار در دیوان بین‌المللی یوگسلاوی سابق شناسایی شد، یکی از شنیع‌ترین جنایات بین‌المللی محسوب می‌شود که در جزء (ز) بند ۱ ماده ۱۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تحت عنوان «جنایت علیه بشریت» شناخته شده است. تعریف بند ۲ ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری از این جرم عبارت است از: «جس غیرقانونی زنی که به اجبار باردار شده است به منظور تأثیرنهادن بر ترکیب قومی یک جمعیت یا ارتکاب دیگر تخلفات فاحش از قواعد حقوق بین‌الملل». ^{۲۳} دیوان لاهه این نکته را بیان داشته است که چون تجاوزات در بوسنی به جهت پاک‌سازی نژادی و به‌صورت نظام‌مند انجام شده، جنایت جنگی محسوب و قابل تعقیب است.^{۲۴} هنوز تلقی مشابهی از نقض حقوق بشر علیه کودکان متولدشده در نتیجه خشونت‌های جنسی علیه زنان به‌عنوان جنایت، ذیل حقوق بشردوستانه بین‌المللی صورت نگرفته و عمده تمرکز، متوجه مقابله با خشونت علیه زنان شده است. رأی *آکایسو* از آرای مشهور دیوان کیفری بین‌المللی

۲۱. کلب، رابرت و ریچارد هاید؛ *درآمدی بر حقوق مخاصمات مسلحانه*، ترجمه: حسام‌الدین لسانی، مجد، ۱۳۹۴، ص ۳۲.

22. Forced pregnancy

۲۳. رنجبریان، امیرحسین و مهدیه ملک‌الکتاب خیابانی؛ «دادگاه ویژه سیرائون؛ فرآیند شکل‌گیری، صلاحیت و مبارزه با بی‌کیفرمانی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۴۳، پاییز - زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۴۲.

24. Zelenović Case: *Prosecutor v. Dragan Zelenović*; ICTY, (Amended Indictment) 4 April, 2007, Case No.IT-96-23/2-I. Available at: www.icty.org/case/zelenovic/4.

برای رواندا هم نمونه خوبی در خصوص محکوم‌نمودن جرایم خشونت و تعرض در زمینه‌های جنسیتی است. دیوان همچنین بارداری اجباری را به‌عنوان شکل بالقوه از نسل‌کشی به رسمیت می‌شناسد. در رأی سلیبکی مورخ نوامبر ۱۹۹۸ نیز دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، تجاوز به‌عنف را از اشکال شکنجه شناخته بود.^{۲۵}

اعمال‌کنندگان خشونت جنسی در خلال مخاصمات، اغلب بر این باورند که این عمل به‌عنوان عکس‌العمل اجتناب‌ناپذیر در جنگ، در چرخه مصونیت از مجازات قرار می‌گیرد و ممنوعیت جدی بر آن مترتب نیست؛ در نتیجه تجاوز و خشونت جنسی اغلب به‌عنوان ابزاری جنگی استفاده می‌شود. واقعیت آن است که ممنوعیت اعمال خشونت جنسی در خلال جنگ، در زمره قواعد اولیه حقوق بشردوستانه بین‌المللی تلقی می‌شود. از جمله برخی اسناد مهم در این رابطه عبارت است از: کد لیبیر که در سال ۱۸۶۳ به تصویب رسید و در ماده ۴۴ خود، اعمال هرگونه تجاوز به‌عنف را ممنوع اعلام و در ماده ۴۷ بیان کرد: «... همه جرایم ... از قبیل ... تجاوز به‌عنف ... قابل مجازات هستند». همچنین در ماده ۳۸ اعلامیه بروکسل آمده است: «شرافت و حقوق خانوادگی باید محترم باشد». پس از این اسناد، کنوانسیون‌های لاهه و مهم‌تر از همه کنوانسیون ۱۹۰۷ در مورد حقوق و عرف‌های جنگ زمینی است. ماده ۴۶ کنوانسیون ۱۹۰۷ خشونت جنسی را به‌عنوان «نقض شرافت خانوادگی» ممنوع اعلام کرده است. ضمن آنکه ماده ۱ ضمیمه اول به کنوانسیون لاهه، مصوب ژوئیه ۱۸۹۹ و ماده اول از پروتکل دوم الحاقی ۱۹۰۷ لاهه به طرفین متخاصم توصیه کرده که در انجام عملیات نظامی خود، منطبق با قواعد و عرف‌های جنگی عمل کنند. به‌موجب این ماده، بسیاری از جنایات جنگی متعارف در آن زمان، از جمله تجاوز به‌عنف ممنوع شد.^{۲۶} در بخش سوم مقررات پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه نیز بیان شده است: «در طول دوران اشغال نظامی، باید حیثیت خانوادگی محترم باشد». مواد مشترک ۱۲ در کنوانسیون‌های اول و دوم و ماده ۱۴ در کنوانسیون سوم ژنو هم به گونه‌ای به ممنوعیت بیان شده در ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو بازگشته‌اند؛ از جمله اینکه بیان می‌دارند با زنان باید با توجه به جنسیت آن‌ها رفتار شود. نکته مهم‌تر آنکه در ماده ۳ مشترک در ۴ کنوانسیون ژنو که راجع به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی است، تصریح شده: «... اعمال زیر در هر زمان و مکان و به هر شکلی ممنوع است. ... تجاوز به‌عنف، ... و کلیه رفتارهای ظالمانه و تحقیرآمیز...».^{۲۷}

25. Hamel, Mari-Eve, "Ethnic Belonging of the Children Born out of Rape in Postconflict Bosnia-Herzegovina and Rwanda", *National and Nationalism*, 2016, vol. 22, no. 2, p. 290.

۲۶. کسسه، آنتونیو؛ حقوق بین‌الملل کیفری، ترجمه: حسین پیران، اردشیر امیراجمند و زهرا موسوی، جنگل، ۱۳۸۷، ص ۴۱۸.

۲۷. کنوانسیون شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ماده ۳.

۴. حمایت از کودکان جنگ از منظر حقوق بین‌الملل بشر

تا امروز در حقوق بشردوستانه بین‌المللی به اندازه کافی به حقوق خاص کودکانی که به علت خشونت جنسی علیه زنان متولد شده‌اند توجه نشده است. هرچند کودکان جنگ، حاصل تجاوزات و خشونت‌ها در خلال جنگ و مخاصمه هستند، بیشترین عرصه حمایت از این کودکان، در شرایط اجتماعی پس از جنگ و دوران صلح مطرح می‌شود. تا کنون هیچ سند حقوق بشری که به‌طور خاص به حمایت از کودکان جنگ بپردازد تصویب نشده است. هرچند از لابه‌لای مفاد کنوانسیون‌های عام حقوق بشری و برخی دیگر از اسناد می‌توان قواعدی را استخراج کرد که به نحوی این کودکان را نیز پوشش داده و بتوانند از آنان حمایت کنند، تبیین ضرورت اعمال حمایت‌های ویژه از چنین کودکانی و فراهم‌سازی شرایط برقراری عدالت در خصوص این دسته از افراد بشری که نیازمند اقدامات خاص و قوی با توجه به شرایط متفاوت و ویژه آنان هستند، موضوعی است که باید بیشتر بررسی شود. به‌طور کلی، برخی قواعد برای حفاظت از این گروه آسیب‌پذیر ذیل حقوق بشر بین‌المللی قابل طرح است. استدلال‌های مربوط به نقض حق برابری با سایرین و نیز نقض حق بر سلامت و عوامل تعیین‌کننده آن‌ها (که به‌خودی‌خود حقوق خاصی است) قابل طرح است. در ادامه پس از بررسی اصلی‌ترین سند بین‌المللی در خصوص حقوق کودکان، به جستجوی قواعدی قابل توجه در خصوص این کودکان در برخی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی موجود پرداخته خواهد شد.

۴-۱. اصول حمایتی از کودکان جنگ در کنوانسیون حقوق کودک

کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، مصوب ۱۹۸۹ مهم‌ترین سند حمایت از کودکان است که قواعد حمایتی قابل توجهی را در خصوص این قشر بیان داشته است. این کنوانسیون تقریباً^{۲۸} در همه کشورهای تصویب شده و قلمرو اجرایی وسیعی دارد.^{۲۹}

در ماده ۲ این کنوانسیون آمده است: «۱- کشورهای طرف کنوانسیون، حقوقی را که در این کنوانسیون در نظر گرفته شده برای تمام کودکانی که در حوزه قضایی آن‌ها زندگی می‌کنند، بدون هیچ‌گونه تبعیضی از جهت نژاد، رنگ، مذهب، زبان، عقاید سیاسی، ملیت، جایگاه قومی و اجتماعی، مال، عدم توانایی، تولد یا سایر احوال شخصیه والدین یا قیم قانونی محترم شمرده و تضمین خواهند کرد. ۲- کشورهای طرف این کنوانسیون، تمام اقدامات لازم را جهت تضمین حمایت از

۲۸. به‌استثنای ایالات متحده آمریکا که با وجود امضای سند مورد بحث، هنوز آن را تصویب نکرده است، سایر دولت‌ها به‌طور رسمی به عضویت کنوانسیون مزبور درآمده‌اند.

29. LeBlanc, Lawrence, *The Convention on the Rights of the Child: UN Lawmaking and Human Rights*, University of Nebraska Press, 1995, p. 21.

کودک در مقابل تمام اشکال تبعیض، مجازات بر اساس موقعیت، فعالیت‌ها، ابراز عقیده یا عقاید والدین، قییم قانونی یا اعضای خانواده کودک به عمل خواهند آورد». در مواد ۳، ۴، ۵ و ۶ این کنوانسیون نیز مقرر شده است که کشورهای عضو، موظف به برقراری امکانات لازم برای حداکثر رفاه کودکان و تضمین عملکرد کارآمد و استاندارد سازمان‌ها و مؤسسات ذی‌ربط هستند؛ ضمن اینکه حق ذاتی کودک را برای زندگی به رسمیت شناخته و امکانات لازم جهت بقا و پیشرفت او را فراهم خواهند کرد.

مطابق ماده ۷: «۱- تولد کودک بلافاصله پس از به‌دنیا آمدن ثبت می‌شود و از حقوقی مانند حق داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان، شناسایی والدین و فرارگرفتن تحت سرپرستی آن‌ها برخوردار است. ۲- کشورهای طرف کنوانسیون، این حقوق را مطابق با قوانین ملی و تعهدات خود طبق اسناد بین‌المللی در این زمینه، خصوصاً در مواردی که کودک در صورت عدم اجرای آن‌ها آواره محسوب شود، لازم‌الاجرا تلقی خواهند کرد».

به همین ترتیب ماده ۸ به تکلیف دولت‌ها جهت کمک به حفظ هویت کودکان و کمک جمعی به کودکانی که به‌طور غیرقانونی از تمام یا برخی از حقوق مربوط به هویت خود محروم شده‌اند، برای استیفای سریع آن‌ها از حقوق‌شان اشاره می‌کند. ماده ۹ به حق کودک مبنی بر جدانشدن از والدین خود و برقراری ارتباط با والدین خود و در ماده ۱۱ به رسیدگی معقول دولت به درخواست کودک مبنی بر خروج از کشور برای پیوستن به خانواده خود پرداخته است. همچنین گفته شده است کودکی که والدین او در کشورهای مختلف زندگی می‌کنند، حق برقراری ارتباط با هر دوی آن‌ها را به طرز معقول خواهد داشت. در ماده ۱۹ هم قواعدی در جهت حفاظت از کودک از هرگونه خشونت، استثمار یا بهره‌کشی جنسی برقرار شده و در ماده ۲۰ به حق او بر داشتن سرپرست اشاره شده است. نکته جالب در ماده ۲۱، حمایت از کودکانی است که در کشوری غیر از کشور متبوع خود به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شوند. در مواد بعدی، به حق کودک بر برخورداری از تمامی استانداردهای بهداشتی، غذایی، رفاهی، آموزشی و غیره توجه شده و مراقبت‌های لازم از زنان باردار، پیش یا پس از زایمان مقرر و حداقل استانداردهای رفاهی اقتصادی برای کودک تضمین شده است.^{۳۰}

تمرکز بر وضعیت کودکان متولدشده در پی خشونت‌های جنسی علیه زنان در خلال مخاصمات، هشدار است که نشان می‌دهد بیشترین حقوق آنان در معرض خطر قرار دارد. نه تنها حقوق مربوط به زنده ماندن آن‌ها (حق حیات و حق برخورداری از سطح استاندارد مناسب زندگی (م ۶))، بلکه همچنین حقوق ناشی از عضویت‌شان در جامعه. «حمایت از حقوق مرتبط با حق حیات کودک،

۳۰. پورقهرمانی، بابک: «نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن»، فصلنامه رواق اندیشه، سال چهارم، شماره ۲۸، ۱۳۸۸، ص ۷۵.

صرفاً بقای او را تضمین می‌کند. تنها زنده‌بودن برای انسان کافی نیست؛ برای اینکه کسی بتواند به‌عنوان انسان زندگی کند، باید بتواند به‌عنوان عضوی از جامعه زندگی کند.^{۳۱} در ادامه، سه حق اساسی مرتبط با عضویت در جامعه که در کنوانسیون حقوق کودک تصریح شده است با تفصیل بیشتری بحث می‌شود: نخست، دولت‌ها تعهدی نسبت به احترام و رعایت این امر دارند که کودکان جنگ در جامعه مورد تبعیض قرار نگیرند (م ۲)، دوم، کودکان حق برخورداری از نام و تابعیت را دارند (م ۷)، و سوم، برخی از حقوق کودکان در متن خانواده معنا یافته و حقوق خانوادگی محسوب می‌شود که لازم است مراعات شود (مواد ۹، ۱۹ و ۲۱).

الف. عدم تبعیض

اصل عدم تبعیض، در خصوص کودکان جنگ اهمیت خاصی دارد. ننگ و تبعیض می‌تواند خاص‌ترین و شدیدترین آسیب‌ها برای این دسته از کودکان باشد. کودکان جنگ در تیمور شرقی، «کودکان دشمن» شناخته می‌شوند؛ در اوگاندا این کودکان به نحوی خطاب می‌شوند که یادآور عذاب مادرانشان باشد؛ در بوسنی و هرزگوین، «جاسوسان کوچک» شناخته می‌شوند.^{۳۱} در عین حال، هم جامعه مسلمانان و هم دولت صربستان، مخالف سرپرستی از این کودکان در خارج از کشور هستند. از نظر مسلمانان، به‌عنوان جامعه مذهبی، این کودکان مسلمان متولد شده‌اند و لازم است به‌عنوان مسلمان رشد کنند. برای دولت نیز این کودکان، راهی برای تبلیغات و بازسازی کشور تلقی می‌شوند. اما در اصل، این کودکان برای جامعه‌ای که در آن بزرگ می‌شوند چه عنوانی دارند و چگونه شناخته می‌شوند؟ اگر سرپرستان کودکان، ریشه اصلی تولد آن‌ها را مخفی نگاه دارند، دیگر هیچ‌گونه تبعیضی علیه آنان صورت نخواهد گرفت، اما از سوی دیگر، کودک از حق شناختن هویت واقعی خود محروم می‌شود. آیا اولویتی در میان این حقوق وجود دارد؟ کدام گزینه بهترین منافع کودک را تضمین خواهد کرد؟ کنوانسیون حقوق کودک، صراحتاً بیان می‌دارد که دول عضو باید آسیب‌پذیرترین و محروم‌ترین گروه‌های کودکان را در قلمرو تحت حاکمیت خود شناسایی نموده و حمایت از حقوق آنان را تضمین کنند. اما در صورتی که چنین اقداماتی با احتیاط صورت نگیرد، می‌تواند موجب تبعیض‌های جدیدی علیه این کودکان شود.

ب. حق برخورداری از نام و تابعیت

مطابق ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک «۱- تولد کودک بلافاصله پس از به‌دنیا آمدن ثبت می‌شود و از حقوقی مانند حق داشتن نام، کسب تابعیت و در صورت امکان، شناسایی والدین و قرارگرفتن

31. Neier, Aryeh, *Rape in War Crimes: Brutality, Genocide, Terror, and the Struggle for Justice*, Random House: New York, 1998, p. 183.

تحت سرپرستی آن‌ها برخوردار است. ۲- کشورهای طرف کنوانسیون، این حقوق را مطابق با قوانین ملی و تعهدات خود طبق اسناد بین‌المللی در این زمینه، خصوصاً در مواردی که کودک در صورت عدم اجرای آن‌ها آواره محسوب شود، لازم‌الاجرا تلقی خواهند کرد».

مسئله تابعیت، از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین موضوعات ثبت تولد است که می‌تواند کودکان جنگ را تحت تأثیر قرار دهد. ثبت تولد، هویت کودکان را مشخص می‌کند و به‌طور کلی پیش‌نیاز صدور برگه‌های هویتی است؛ اما در خصوص کودکان جنگ، این عمل به‌سادگی صورت نمی‌پذیرد. معلوم کردن پدر این کودکان که ممکن است یکی از چندین تجاوزکننده باشد بسیار دشوار است. از سوی دیگر، بسیاری از زنان پس از تولد نوزادانشان فوت کرده و قادر به ثبت تولد نوزادان خود نبوده‌اند. در بسیاری از موارد، کودکان در حالی پیدا شدند که به‌سادگی ترک شده بودند. این کودکان با علامت "NN" به معنای «با هویت ناشناخته» به ثبت رسیدند. بسیاری از دولت‌ها تابعیت را بر اساس اصول خاک^{۳۲} و خون^{۳۳} یا ترکیبی از هر دو اعطا می‌کنند. اعمال چنین قواعدی به این معناست که ممکن است این کودکان از تابعیت مضاعف برخوردار شوند یا اصلاً تبدیل به افرادی بی‌تابعیت شوند؛ این در حالی است که ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌صراحت حق برخوردارگی از تابعیت را برای هر شخص به رسمیت می‌شناسد.^{۳۴} بنابراین کاملاً مشخص است که اعمال اصلاحات لازم در قوانین، حداقل در خصوص این دسته از کودکان و اعطای تابعیت محل تولد به آنان در جهت مقابله با پدیده بی‌تابعیتی ضروری است.

ج. بررسی وضعیت اعطای تابعیت و فرزندخواندگی به کودکان جنگ در قوانین

داخلی کشورها؛ مطالعه رواندا و کوزوو

به‌موجب قوانین تابعیت کشور رواندا، صرف تولد در درون قلمرو این کشور، منجر به برخوردارگی از تابعیت رواندایی نمی‌شود مگر در مواردی که کودکی از پدر و مادری ناشناخته در خاک این سرزمین متولد شده باشد. بنابراین می‌توان گفت کودکان جنگ که مادرانشان رهاشان کرده‌اند و به اصطلاح سر راه گذاشته شده‌اند، بر اساس قوانین تابعیت این کشور، تبعه رواندا شناخته می‌شوند؛ ضمن اینکه کودکی که از مادر تبعه رواندا و پدری ناشناس یا بی‌تابعیت متولد شده باشد، از تابعیت رواندا برخوردار خواهد شد. می‌توان گفت رواندا جزو معدود کشورهای آفریقایی است که به‌صراحت برای کودکانی که از والدین ناشناس در این کشور متولد می‌شوند، تابعیت رواندایی را می‌پذیرد. با وجود این، شواهد و گزارش‌ها نشانگر این واقعیت است که کودکان جنگی که به دلیل مشخص‌بودن

32. *Jus soli*

33. *Jus sanguinis*

34. ۱. هر فردی حق دارد که تابعیتی داشته باشد...».

هویت مادر، منشأ تولد روشنی نزد افراد جامعه دارند، با وجود برخورداری از تابعیت رواندایی از بسیاری از حقوق اساسی خود محروم بوده و دولت نیز به جهت عدم تمایل به برخورد با افکار عمومی، که در برخی موارد دولت را در مظان اتهام طرفداری از هوتوها یا رضایت از نسل‌کشی گذشته قرار داده است، برای احقاق حقوق شهروندی این دسته از کودکان، تلاشی نمی‌کند.^{۳۵} اما وضعیت در کوزوو به مراتب بدتر بوده است. وضعیت قومی پیچیده این کشور و تغییر و تبدیل مناطق آن به عناوین کوزوو و یوگسلاوی موجب عدم برخورداری از قانون واحد در خصوص تابعیت تا سال ۱۹۷۶ شد. تا این زمان هزاران نفر از آلبانیایی‌ها تابعیت خود را از طریق خرید اسناد و مدارک جعلی در بازار سیاه به دست می‌آوردند. با وجود این به دلیل اختلافات شدید و جنگ‌ها میان بوسنی و کرواسی، حق شهروندی در جمهوری دموکراتیک خلق در دوره‌ای بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ به واسطه ناامنی‌های موجود به نحو تبعیض‌آمیزی اعمال می‌شد. سرانجام در ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۶ قانون جدیدی در مورد شهروندی فدرال جمهوری یوگسلاوی تصویب شد که در ۱ ژانویه ۱۹۹۷ به اجرا درآمد. مطابق این قانون، هر دو دسته شهروندان صرب و مونته‌نگرو بدون در نظر گرفتن محل اقامت‌شان، شهروند فرانسوی شناخته و شهروندان صرب که دارای تابعیت جمهوری دیگری بوده و از ۲۷ آوریل ۱۹۹۲ در جمهوری دموکراتیک کنگو اقامت داشتند، از تابعیت کوزوو برخوردار شدند. در این میان، هیچ قانون مشخصی برای روشن کردن وضعیت کودکان بی‌شمار متولدشده در نتیجه خشونت‌های جنسی در خلال جنگ تصویب نشد. حتی کودکان بی‌سرپرست نیز صرفاً به پرورشگاه‌ها سپرده شدند و از تابعیت محروم ماندند. در حال حاضر، به موجب قانون ۲۰۰۸ کوزوو، کودک متولد کوزوو در صورتی که والدینش هر دو تبعه کوزوو باشند از تابعیت این کشور برخوردار خواهد شد. اگر در روز تولد کودک تنها یک والد او شهروند جمهوری کوزوو باشد، کودک باید شهروندی جمهوری کوزوو را تحت شرایط زیر به دست آورد: تولد کودک در قلمرو کوزوو، تولد کودک در خارج از قلمرو کوزوو و بی‌تابعیت یا ناشناس بودن یکی از والدین، تولد کودک در خارج از قلمرو کوزوو و برخورداری یکی از والدین از تابعیت کشور دیگر، لکن پیش از سپری شدن دو هفته از تولد کودک، والدین وی به‌طور کتبی توافق کرده باشند که کودک از تابعیت کوزوو برخوردار شود. مطابق ماده ۷ این قانون، کودکی که در قلمرو کوزوو متولد یا یافت شود و پدر و مادرش ناشناخته باشند، در روز تولد یا پیداشدن، تابعیت کوزوو را به دست می‌آورد. لذا با وجود بهبود نسبی قوانین کوزوو در خصوص برخورداری از تابعیت کوزوو، در بحرانی‌ترین زمان ممکن، نبود قانونی واحد در خصوص اعطای تابعیت به کودکان جنگ، منجر به محرومیت این کودکان از تابعیت کوزوو و حقوق شهروندی مرتبط با آن شد که پس از آن نیز قانونی برای اعطای تابعیت به آنان

35. Manby, Bronwen, "Citizenship Law in Africa; A Comparative Study", *Open Society Foundations*, 2010, vol. 2, no. 17, p. 45.

وضع نشد.^{۳۶}

طبق قانون خانواده کشور کوزوو، نظارت بر همه مراحل فرزندخواندگی که از پذیرش درخواست فرزندخواندگی آغاز می‌شود، بر عهده دادگاه است. این درخواست ممکن است از سوی والدین کودک که دلایل کافی مبنی بر عدم توانایی بر نگهداری از فرزند خود ارائه خواهند داد، و در موارد بی‌سرپرست بودن کودک، از سوی پرورشگاه یا درخواست‌کننده پذیرش کودک به دادگاه تسلیم شود. این امر به دادگاه امکان می‌دهد که در هر مورد، حقوق و وظایف والدین پذیرنده کودک را تعیین کند. اگر دادگاه درخواست را بپذیرد، کودک برای سه‌ماه آزمایشی به سرپرستان جدید سپرده می‌شود. بر اساس اصل قانونی پذیرفته‌شده در این کشور، پذیرندگان سرپرستی باید ساکن کوزوو باشند و در موارد بسیار استثنائی و خاص، کودک به سرپرستی والد یا والدینی که از تابعیت کوزوو برخوردار نیستند سپرده می‌شود. چنین استثنائاتی شامل مواردی است که کودک مبتلا به بیماری‌های خاص بوده و نیازمند استفاده از امکانات درمانی خاص است که در کوزوو قابل دسترس نیست. تا پیش از این، شرط ازدواج، از جمله شروط اساسی برای درخواست‌کنندگان سرپرستی کودک بود که به تدریج منسوخ شد.^{۳۷} آنچه واضح است شروط بسیار نادر و امکان اثبات آن برای پذیرش کودک توسط سرپرستانی در خارج از کشور برای کودکانی که در جامعه داخلی، چهره‌ای منفور داشته و والدین جایگزین، کمتر آن‌ها را می‌پذیرند، بسیار زیان‌بار بوده و تقریباً می‌توان گفت ناکارآمد است.

پیش از این، قوانین کشور رواندا، فرزندخواندگی خارجی را تنها در خصوص درخواست‌کننده‌ای می‌پذیرفت که در کشوری از کشورهای پذیرنده کنوانسیون لاهه در خصوص فرزندخواندگی ۱۹۹۳ ساکن باشند. از منظر قوانین این کشور، اثبات شایستگی اخلاقی و اقتصادی درخواست‌کنندگان، به عهده دولت متبوع آنان است؛ ضمن اینکه این دولت باید اعلام کند که امکان ورود و اقامت دائمی کودک را به لحاظ قانونی فراهم خواهد کرد.^{۳۸} در عین حال، این تدابیر به اندازه کافی برای تضمین برخورداری از بهترین منافع کودک کافی نیست. علاوه بر این، هیچ‌گونه سازوکار نظارتی مناسبی در جهت نظارت بر پایداری صلاحیت سرپرستان جدید کودک در این قانون پیش‌بینی نشده است؛ بنابراین برای اطمینان از عدم سوءاستفاده از حقوق کودک اعطاشده، باید بسیار احتیاط کرد.

36. Krasniqi, Gëzim, "Country Report on Citizenship Law: Kosovo", *European University Institute*, Florence Robert Schuman Centre for Advanced Studies EUDO Citizenship Observatory, Revised and Updated January 2015, pp. 26-27.

37. OSCE, "Child Adoption Procedure in Kosovo", *Department of Human Rights and Communities*, issue 6, August 2010, pp. 5-7.

38. Nkusi, Fred K., "Intercountry Child Adoption Requires Close Scrutiny", 2017, Available online at: www.newtimes.co.rw/section/read/221399, Accessed: 9/10/2017.

لذا به نظر می‌رسد با وجود نگرش‌های اجتماعی و سیاسی موجود، در بسیاری از کشورهای درگیر، صرف تصویب قانون یا قوانین داخلی نمی‌تواند حمایت‌های لازم از این کودکان را فراهم کند. اولاً، تصویب قوانین جدید در خصوص اعطای تابعیت به کودکان، در حق افرادی که پیش از تصویب چنین قوانینی متولد شده‌اند و مشمول این قوانین قرار نمی‌گیرند، تأثیری نخواهد داشت. ممکن است گفته شود طبق قوانین موجود، امکان کسب تابعیت برای این افراد که بزرگسال هستند وجود خواهد داشت؛ اما حتی با پذیرش این نظر نیز چنین تابعیتی اکتسابی بوده و ناعادلانه، محدودیت‌های سیاسی، شغلی و اجتماعی فراوانی را که مختص تحصیل‌کنندگان تابعیت کشور مورد بحث است بر اشخاصی که در همین کشور تولد یافته و زندگی کرده‌اند تحمیل خواهد کرد. ثانیاً، حتی با وجود اعمال قوانین جدید بر کودکان جنگ، نبود سازوکارهای اجرایی مناسب و نیز تمایل دول حاکم بر نادیده‌انگاری وضعیت، قانون مزبور را به صورت جسمی بی‌روح که صرفاً در جهت رفع تکلیف دولت در مواجهه با افکار عمومی بین‌المللی تصویب شده است در خواهد آورد. جبران این دو نقصان عمده، نیازمند بذل توجه و همکاری چه در عرصه داخلی و میان قوای حاکمه کشور و چه در عرصه بین‌المللی و در تدوین سازوکارهای نظارتی ویژه حقوق‌بشری از طریق نهادهای معاهداتی و نیز شورای حقوق بشر (خصوصاً از طریق سازوکار گزارش‌های دوره‌ای و کسب اطلاع گزارشگر ویژه حقوق بشر) است.

د. حقوق خانوادگی

خانواده واحد اساسی جامعه تلقی می‌شود. در بسیاری از قوانین مرتبط با خانواده، شامل کنوانسیون حقوق کودک، به اهمیت این نهاد برای حمایت از حقوق کودکان اشاره شده است. ماده ۵ کنوانسیون، در بردارنده چارچوب اصلی موضوع است. حق شناختن والدین طبیعی در مواد ۸ و ۹ مقرر شده است. ماده ۲۲ بیان می‌دارد: «کشورهای طرف کنوانسیون، بنا به صلاحدید خود با سازمان ملل و سایر سازمان‌های بین‌المللی یا غیردولتی ذی‌صلاح که با سازمان ملل کار می‌کنند در جهت حمایت و مساعدت از این‌گونه کودکان و ردیابی والدین یا سایر اعضای خانواده کودکان پناهنده و برای کسب اطلاعات لازم برای به‌هم‌پیوستن مجدد اعضای خانواده همکاری خواهند کرد». اعلامیه جهانی اصول اجتماعی و قانونی مرتبط با حقوق و رفاه کودکان^{۳۹} مقرر می‌کند که افراد مسئول در هر کشور باید تمامی مساعدت‌ها و حمایت‌های لازم را برای دسترسی کودک به اطلاعات لازم در خصوص خانواده طبیعی خود فراهم کنند مگر آنکه خودداری از کمک، برای تأمین بهترین منافع کودک ضروری محسوب شود. بر اساس ماهیت جامع این سند، زمانی که

39. Declaration on Social and Legal Principles relating to the Protection and Welfare of Children, with Special Reference to Foster Placement and Adoption Nationally and Internationally, General Assembly, A/RES/41/85, 3 December 1986.

بهترین منافع کودک در صورت شناسایی هویت خانواده طبیعی وی به مخاطره افتد، باید از این حق محروم شود. وضعیت کودکان جنگ می‌تواند یکی از واضح‌ترین و منحصر به فردترین مواردی محسوب شود که در اکثر مواقع، دربردارنده محروم‌نمودن کودک از شناخت والدین اصلی او در جهت حفاظت از بهترین منافعش است. اما آیا والدین نیز «حق بر پیدانشدن» خواهند داشت؟ آیا زنی که مورد تجاوز قرار گرفته و نوزاد خود را به فرزندخواندگی سپرده است، حق بر پیدانشدن و مواجه‌نشدن با گذشته خود را خواهد داشت؟ حق کودک بر شناخت ریشه‌های طبیعی خود و حق مادر بر مخفی‌ماندن گذشته وی و اجتناب از پذیرش بازخوردهای اجتماعی از قبیل نفی بلد، آسیب یا حتی مرگ ممکن است در تقابل با یکدیگر قرار گیرند. کنوانسیون لاهه در حفاظت از کودکان و همکاری در پذیرش بین‌المللی آنان، به دولت‌ها اجازه می‌دهد که در موارد لازم در جهت حمایت از مادران، از دادن اطلاعات لازم و مرتبط با والدین طبیعی کودک به وی خودداری ورزند. چنین کشورهایی تنها در صورتی خواهند توانست اطلاعات لازم را در اختیار کودک قرار دهند که مادر اجازه آن را داده باشد یا اطمینان حاصل کنند که مادر از این اقدام متأثر نخواهد شد؛^{۴۰} هرچند به نظر می‌رسد در این خصوص، سایه حقوق مادر بر حقوق کودک، منجر به نقض حق بشری کودک در این زمینه شده و به‌جای بهترین منافع کودک، صرفاً بهترین منافع مادر، محور عملکرد اعضا خواهد بود.

۲-۴. حمایت از کودکان جنگ در پرتو حمایت از حق برابری؛ مطالعه دیگر اسناد بین‌الملل حقوق بشری

در حقوق بین‌الملل، مفهوم برابری، در معنای تساوی همه افراد در برابر قانون و برخوردارگی یکسان همگان از حمایت‌های قانونی، برای نخستین بار در مقدمه و بند ۳ منشور سازمان ملل متحد ذکر و پس از آن وارد ادبیات حقوق بشر شد. اکثر منابع و اسناد بین‌المللی بخصوص اعلامیه جهانی حقوق بشر، تبعیض را غیرانسانی دانسته و به‌شدت آن را نهدی و نکوهش می‌کنند. در ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۲، ۱۴ و ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به برابری افراد^{۴۱} و ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به برابری افراد در برابر دادگاه‌ها اشاره کرده‌اند. ضمناً به‌موجب بند ۲ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، «هرکس حق دارد که در شرایط برابر به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید» و در بند (ج) ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز آمده است: «هر شهروند حق و امکان خواهد داشت با حق تساوی طبق شرایط کلی بتواند به مشاغل عمومی کشور خود

40. UNICEF, "Birth Registration; Right from the Start", *Innocenti Digest*, 2002, vol. 32, no. 15, p. 117.

41. هاشمی، سیدمحمد؛ حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، میزان، ۱۳۹۳، ص ۲۹۵.

نایل شود». مطابق ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هرکس حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. این آموزش، لاقلاً تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است، آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد و همگان با استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند شوند». بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی نیز تصریح دارد: «در پیمان حاضر، اصطلاح تبعیض نژادی به هر نوع تمایز و ممنوعیت یا رجحانی اطلاق می‌شود که بر اساس نژاد و رنگ یا نسب یا منشأ ملی، قومی بوده، هدف یا اثر آن از بین بردن یا در تهدید شناسایی یا تمتع یا استیفا در شرایط مساوی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یا در زمینه دیگر از حیات عمومی باشد...».

همچنین مواد ۲، ۳ و ۴ کنوانسیون، به ترتیب دولت‌های عضو را متعهد می‌کند که هرگونه تبلیغات، دکرین و سازمان‌هایی را که در راستای ترویج تبعیض نژادی و آپارتاید فعالیت می‌کنند، محکوم نمایند. سپس در مواد ۵، ۶ و ۷ به تهیه و تنظیم قوانین و مقرراتی برای تأمین برابری و تأسیس دادگاه‌هایی برای احقاق حق در این زمینه پرداخته است و بالاخره در ماده ۸ دولت‌ها ملزم می‌شوند که کمیته رفع تبعیض نژادی مرکب از ۱۸ عضو عالی‌رتبه علمی و اخلاقی تشکیل دهند. این کمیته وظیفه دارد به سه مورد رسیدگی کند: گزارش‌های سالانه کشورهای عضو، شکایات کشورهای عضو از اعمال تبعیض کشورهای دیگر نسبت به اتباع آن‌ها و شکایات مردم از کشور خود.^{۴۲}

بنابراین ملاحظه می‌شود که در پرتو بسیاری از اسناد عام و خاص بین‌المللی، حق برخورداری کودکان جنگ به عضویت اساسی در جامعه خود قابل توجیه است؛ به این معنا که این کودکان نیز فارغ از اصل و منشأ اجتماعی، قومیت و شرایط خود، حق برخورداری از مشاغل، آموزش و پرورش، تساوی در برابر قانون و محاکم، تغذیه مناسب و غیره را دارند و شخصیت و حیثیت آنان باید محترم داشته شود. حتی در پرتو برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی می‌توان حق برخی از این افراد را در شکایت از اعمال تبعیض‌آمیز دولت ملی خود قابل احترام دانست.

از سوی دیگر، در پرتو همین اسناد و بسیاری دیگر از اسناد بین‌المللی، حق مادرانی که از کودکان جنگ حمایت کرده‌اند، بر برخورداری از مشاغل، آموزش‌های شغلی و نیز مادری محترم داشته می‌شود و هیچ مادری را نمی‌توان وادار کرد که فرزند خود را حتی اگر حاصل اعمال خشونت‌ها و تجاوزات جنسی علیه او بوده باشد، رها کند. اما پرواضح است که تکیه بر چنین اصول کلی نیز برای حمایت از حقوق کودکان جنگ به‌تنهایی کافی به نظر نمی‌رسد؛ کماینکه در خصوص

۴۲. ظهیرشعبان، محمد؛ «جایگاه برابری و مؤلفه‌های آن در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی افغانستان»، کمیسیون حقوق بشر افغانستان، ماهنامه حقوق بشر، سال سیزدهم، شماره ۳، ۱۳۹۴، ص ۲۷.

برخی گروه‌ها و موضوعات، به این اصول بسنده نشده و اقدامات مستقلی در جهت حمایت از قشر آسیب‌پذیر مورد نظر صورت پذیرفته است، مانند کنوانسیون‌های رفع تبعیض علیه زنان و منع تبعیض در آموزش و پرورش. لذا به نظر می‌رسد پس از تکیه اولیه بر اصول اساسی و کلی حقوق بین‌الملل که مورد پذیرش عام قرار گرفته‌اند، لازم است با اتخاذ اقدامات حمایتی دیگر، گام‌های بلندتری در حمایت از کودکان جنگ برداشته شود که شامل اقدامات قانونگذاری، قضایی و نظارتی در عرصه بین‌المللی هستند.

۳-۴. حمایت از کودکان جنگ در پرتو حمایت از حق بر سلامت

سلامت در مقدمه سند تأسیس سازمان جهانی بهداشت «حالتی از تندرستی کامل فیزیکی، روحی و اجتماعی و نه صرفاً نداشتن بیماری و ضعف»^{۴۳} تعریف شده است. اگرچه دسترسی به عدالت در خصوص نقض حق بر سلامت و عوامل تعیین‌کننده آن ممکن است در همه موارد در حقوق بین‌المللی موجود امکان‌پذیر نباشد، لازم است استدلالی برای نیاز به احترام، حمایت و اجرا نسبت به حق بر سلامت کودکانی که در نتیجه خشونت‌های جنسی علیه زنان در خلال مخاصمات متولد شده‌اند طرح شود.

بند ۱ ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، به حق بر سلامت و برخی از عوامل کلیدی دستیابی به آن می‌پردازد. بند ۲ به‌طور خاص‌تری به حقوق کودکان می‌پردازد و می‌تواند نسبت به کودکان جنگ قابل اعمال باشد: مادران و کودکان، سزاوار برخورداری از مراقبت و کمک‌های ویژه هستند. همه کودکان، خواه در محدوده رابطه ازدواج متولد شده باشند یا خیر، باید از حمایت‌های اجتماعی یکسان برخوردار شوند.^{۴۴}

طبق اعلامیه، همه افراد از حق «زندگی، آزادی و رهایی از زندان» برخوردارند. اعلامیه، «حق بر تابعیت»، «حق بر دسترسی برابر به خدمات عمومی برای هر فرد در کشور خودش» و «حق برخورداری از آموزش و پرورش» را تضمین می‌کند. بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت، ممکن است همه این حقوق از عوامل تعیین‌کننده سلامت تلقی شود و استنفکاف از احقاق آن‌ها، می‌تواند استنفکاف از حق سلامت را در پی داشته باشد.

ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌طور خاص به حق بر سلامت مربوط است. بند ۳ ماده ۱۰ اعلام می‌دارد: «در خصوص همه کودکان، بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث نسب یا دیگر شرایط باید تدابیر و حمایت‌های ویژه اتخاذ شود». کودکان جنگ نباید در این زمینه مورد تبعیض قرار گیرند و باید از حقوق و حمایت‌های یکسان با سایر کودکان برخوردار شوند.

43. Introduction to the Constitution of the World Health Organization

44. Mitchell, Kathleen, "Children Born from Rape: Overlooked Victims of Human Rights Violations in Conflict Settings", *Johns Hopkins University; School of Public Health*, 2017, vol. 25, no. 11, p. 11.

در خصوص پناهندگی، میثاق بیان می‌کند که کشورهای میزبان «ممکن است تعیین کنند که تا چه حد حقوق اقتصادی شناخته‌شده در این میثاق را برای غیر اتباع خود تضمین می‌کنند». تضمین حقوق نباید با تبعیض صورت پذیرد.^{۴۵}

تفسیر عمومی شماره ۱۲ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در خصوص حق برخورداری از بالاترین سطح قابل دستیابی سلامت، نمونه‌هایی از شرایطی را ذکر می‌کند که در آن دولت‌ها ممکن است به دلیل نقض تعهداتشان نسبت به احترام، حمایت و اجرای حق بر سلامت، مسئول قلمداد شوند. مثال‌های خاص در مورد کودکان جنگ می‌تواند شامل «اقدامات دولتی، سیاست‌ها یا قوانینی که احتمالاً منتج به آسیب‌های جسمانی، عوارض جانبی غیرضروری و محرومیت از طرح دعوا در درون حوزه قضایی دولت در خصوص نقض حق بر سلامت آن‌ها از جانب طرف ثالث» باشد.^{۴۶}

۵. حقوق کودکان جنگ در اقدامات حقوقی بین‌المللی آتی

برای جلوگیری و مقابله با سوءاستفاده از کودکان جنگ، دولت‌ها که موظف به حمایت از حقوق کودکان از طریق اجرای استانداردهای بین‌المللی هستند باید نهایت تلاش خود را به کار اندازند. به‌طور قطع می‌توان گفت اولویت اساسی در این مسیر، تصویب سند الزام‌آور بین‌المللی در خصوص کودکان ناشی از جنگ است که دولت‌ها را وادار به ایجاد تغییراتی در نظام داخلی خود و گردن نهادن به نظام گزارش‌دهی به نهاد رسیدگی‌کننده بین‌المللی کند؛ نهادی که لازم است از اختیار رسیدگی به شکایات فردی و شکایات اعضا علیه یکدیگر نیز برخوردار باشد. آنچه مسلم است، سازمان‌های بین‌المللی دارای نقش محوری در شکل‌دادن به سیاست‌های دول در مورد حقوق بشر هستند و لذا لازم است این نهادها نیز به این مسئله بیشتر توجه کنند. تمرکز هرچه بیشتر بر این مسئله در عرصه‌های دانشگاهی و علمی نقش بسیار مؤثری در پیشبرد این هدف خواهد داشت. از آنجا که دولت‌ها بنا به دلایل سیاسی معمولاً آماری از وضعیت این اطفال و شرایط آن‌ها ارائه نمی‌کنند و فقدان اطلاعات کامل، مانعی در مسیر سازمان‌های بین‌المللی برای کسب اطلاع از وضعیت دقیق کودکان در یک کشور و تشخیص تفاوت شرایط کودکان جنگ با دیگر کودکان است و راه را برای ادعای خلاف واقع در خصوص وضعیت حقوق بشر هر کشور برای دولت حاکم باز می‌گذارد، جامعه بین‌المللی همواره با روندی آهسته، وضعیت کشورها را بررسی کرده است. آمارگیری‌های سازمان‌های بین‌المللی معمولاً در جهت بررسی وضعیت کودکان جنگ نبوده و این یکی از خلأهایی

45. Mitchell, Kathleen, *Ibid.*, p. 14.

46. United Nations Economic and Social Council, The right to the highest attainable standard of health E/C.12/2000/4. (General Comments). 2000, Retrieved Dec. 23, 2004 from [www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/\(symbol\)E.C.12.2000.4.EnDocument](http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/(symbol)E.C.12.2000.4.EnDocument).

است که جامعه بین‌المللی باید در جهت رفع آن تلاش کند. سازمان‌های بین‌المللی با تحقیقات مستمر و دقیق باید دولت‌ها را به حفظ آمارها و نظارت بر وضعیت کودکان جنگ تشویق کنند. نباید همکاری‌های سازمان‌های بین‌المللی به فعالیتهای پژوهشی محدود شود، بلکه لازم است این نهادهای بین‌المللی تلاش‌های خود را در جهت ارائه پشتیبانی‌های اقتصادی، آموزشی، روانی و اجتماعی به این کودکان و البته مادران آنها سازماندهی کنند. لازم است جامعه بین‌المللی و نهادهای تابع آن باید برای حمایت اخلاق‌مدار از کودکان جنگ، دستورالعمل‌های راهبردی وضع کنند. از جمله این مسئله باید روشن شود که کودکان از چه سنی حق صحبت راجع به وضعیت خود را خواهند داشت تا تبعیض‌ها و مسائل مربوط به چنین کودکانی در سایه سکوت کودک و مادر، پنهان و بدون جبران نماند. در این خصوص، نکته قابل طرح، تفاوت در قوانین داخلی کشورهاست. به‌عنوان مثال، برخی کشورهای اسلامی، سن بلوغ را به‌عنوان سن قانونی افراد پذیرفته و برخی دیگر سنین ۱۸ یا ۲۱ سالگی را مدنظر قرار داده‌اند. در عام‌ترین سند بین‌المللی مربوط به حقوق کودکان، کنوانسیون حقوق کودک ملل متحد، افراد زیر ۱۸ سال، کودک دانسته شده‌اند. در همین نقطه از بحث، نکته قابل تأمل دیگری مطرح می‌شود: در صورت پذیرش سن قانونی در هر کشور باید این مقدمه لازم را نیز پذیرفت که در حقیقت، افرادی که به بزرگسالی رسیده‌اند حق صحبت در خصوص وضعیت خود را خواهند داشت. لذا تالی فاسدی که با پذیرش ملاک سن قانونی رشد برای هر فرد از منظر قوانین ملی وی باید پذیرفته شود این است که در حقیقت به‌جای حمایت از حقوق کودک جنگ، از بزرگسالانی حمایت شده است که برای حمایت از آنان و مقابله با شرایط پرخطری که در آن قرار دارند، تا حدود بسیاری دیر اقدام شده است و چه‌بسا بسیاری از چنین کودکانی به دلیل شرایط سخت و گاه طاقت‌فرسایشان، هرگز به بزرگسالی نرسند.

لذا آنچه مسلم به نظر می‌رسد، برای پذیرش ادعاها و مطالبات چنین افرادی، سن قانونی پیش‌بینی‌شده در قوانین داخلی، امکان حمایت از ایشان را به حداقل خواهد رساند. در نتیجه لازم است سنین پایین‌تری برای پذیرش ادعای کودک در خصوص شرایطی که در آن قرار دارد پذیرفته شود. ولی از آنجا که ملاک دقیقی برای پذیرش بلوغ ذهنی لازم در جهت اعتماد به سخنان کودک زیر سن قانونی وجود ندارد، به نظر می‌رسد در چنین مواردی باید رویه محاکم داخلی برخی کشورها الگو قرار گیرد و بررسی موردی هر ادعا به نهاد بین‌المللی رسیدگی‌کننده که دارای کارشناسان خبره لازم در این خصوص باشد، واگذار شود.

جامعه بین‌المللی باید با نظارت و شدت بیشتری بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث قومیت، اصل و منشأ اجتماعی و غیره به تعهد بین‌المللی دولت‌ها در قبال حفاظت از کودکانی که در قلمرو حاکمیت‌شان حضور دارند توجه کند تا دولت‌ها با اتخاذ تدابیر حمایتی لازم از حجم گسترده کودک‌کشی‌ها نسبت به کودکان ناشی از جنگ بکاهند. از جمله لازم است گزارشگران ویژه شورای

حقوق بشر در خصوص این موضوع، به اعضا بیشتر توجه نشان دهند و این مسئله یکی از محورهای اساسی گزارش‌های دوره‌ای در شورا بشود.

با تلاش نهادهای بین‌المللی و نظارت جامعه بین‌المللی بر وضعیت کشورها، بسیاری از موارد اعمال تبعیض نسبت به کودکان جنگ پایان خواهد یافت؛ ضمن آنکه با در نظر داشتن این نکته که لازم است رصد چنین وضعیتی تنها در تعداد محدودی از دولت‌ها که در جریان مخاصمات مسلحانه بوده یا هستند صورت پذیرد، مسلماً صرف هزینه‌ها و زمان کمتری برای پرداختن به این امر در هر بازه زمانی لازم است و این امر خود مشوقی برای نهادها و سازمان‌های بین‌المللی جهت اقدام خواهد بود. ضمناً با استفاده از مطالعات پزشکی و روانشناختی و اجرای برنامه‌های آموزشی و اجتماعی می‌توان با مسئله رهاسازی نوزادان از سوی مادران نیز برخورد کرد.^{۴۷}

به‌طور کلی مقیاس وسیع ارتکاب خشونت جنسی در خلال مخاصمات نشان می‌دهد که مرتکبان خشونت جنسی در این شرایط، یا با دستور و تحت نظر دولت متبوع خود دست به این اقدام غیراخلاقی می‌زنند یا در ارتکاب این اعمال، تحت کنترل و ممانعت فرمانده و دولت متبوع خود قرار نمی‌گیرند. بنابراین آشکار است که جامعه بین‌المللی باید مسئولیت بسیار شدیدی را برای دولت مذکور شناسایی کند که شاید یکی از نتایج آن نیز تحمیل مسئولیت نگهداری کودکان مذکور و پرداخت غرامت به مادران آن‌ها باشد. هرچند تا کنون تلاش‌هایی برای شناسایی مسئولیت مرتکبان این‌گونه نقض‌ها صورت پذیرفته است، این مجازات‌ها به‌ندرت شامل جبران خسارت برای قربانیان این خشونت و فرزندان ناشی از آن شده است. باید این دولت‌ها سازوکارهای حمایتی لازم از زنان قربانی خشونت جنسی و فرزندان آن‌ها را از قبیل مزایای اقتصادی و اعطای حقوق مهاجرتی و نیز شرایط لازم را برای دسترسی کودکان به هویت پدرشان فراهم آورند. اقدامات دیوان‌ها و نهادهای بین‌المللی در پاسخگویی به ارتکاب خشونت جنسی عمدتاً در فروکش کردن خشم قربانیان تأییراتی داشته ولی برخوردی بازدارنده نبوده است.^{۴۸}

بی‌شک مواردی که در بالا ذکر شد، به‌راحتی از سوی جامعه بین‌المللی قابل اعمال نخواهد بود چرا که بسیاری از دولت‌ها در جهت حفظ منافع خود به مقابله با آن خواهند پرداخت. بنابراین شاید روش مناسب قابل اعمال در این زمینه، عمل در قالب حقوق بشر کودکان باشد. بازیگران بین‌المللی در شناسایی و تدوین قواعد بین‌المللی نقش بسیار مؤثری ایفا می‌کنند و در تنظیم دستورکارهای بین‌المللی جایگاه بسیار کلیدی دارند. شاید یکی از راهکارهای مؤثر در جهان امروز برای آگاه‌سازی جامعه بین‌المللی و نیز تشویق سازمان‌های حقوق بشری، استفاده از شبکه‌های مجازی و اینترنت

47. "Women2000: Sexual Violence and Armed Conflict: United Nations Response", Assessment by the Department of Economic and Social Affairs, 1998, p. 231. <https://www.unwomen.org>.

48. امیری، فاطمه؛ «توسعه حقوق بین‌المللی کیفری بر پایه جرم‌انگاری ازدواج اجباری به‌عنوان جنایت علیه بشریت توسط دادگاه ویژه سیرالئون»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره بیست‌وهفتم، شماره ۴۳، پاییز- زمستان ۱۳۸۹، ص ۲۸۴.

باشد. افزایش آگاهی‌های همگانی راجع به وضعیت کودکان جنگ و ارسال پیوندهای مرتبط به دیگر سازمان‌های بین‌المللی حقوق‌بشری، افزایش توان زنان قربانی خشونت و کودکان آن‌ها به بیان مسائل در فضای مجازی به صورت ناشناخته و امکان ارائه راهکارهای درمانی روحی و روانی و حتی جسمی و افزایش سطح آگاهی این افراد از حقوق آن‌ها در عرصه بین‌المللی از دیگر فواید این راهکار است.

از سوی دیگر لازم است که مسئله کودکان جنگ نیز در ردیف مسائلی همچون «سربازگیری کودکان» مورد توجه جامعه بین‌المللی و موضوع گزارش‌های سالانه و فعالیت‌های سازمان‌های بین‌المللی قرار گیرد. در واقع بررسی و پرداختن به این مسائل باید برای فعالان حقوق بشر در زمینه حفاظت از حقوق کودکان در اولویت قرار گیرد.

با توجه به مطالبی که گذشت این نکته نیز حایز اهمیت است که جای خالی حمایت‌های همه‌جانبه و دقیق از کودکان جنگ، چه در اعطای حقوق تابعیتی، چه در مسئله فرزندخواندگی و چه در نظارت و اجرای حمایت‌های هرچند اندک موجود، در حقوق داخلی دول درگیر به‌خوبی نمایان است؛ موضوعی که نیازمند اقدامات قانونگذاری، نظارتی و اجرایی و بذل توجه بیشتر از سوی دولت‌ها در عرصه داخلی است.

نتیجه

انواع متعددی از خشونت‌هایی که اغلب گسترده و به‌طور نظام‌مند در خلال مخاصمات صورت می‌پذیرد، نشانه‌ای از سببیت چهره واقعی جنگ است و شاید بتوان گفت نقطه اوج چنین خشونت‌هایی در اقدامات شنیع گروه‌های تروریستی از جمله داعش در طول دهه اخیر دیده شد. یکی از وحشتناک‌ترین انواع خشونت‌ها، خشونت جنسی و تجاوز به‌عنف نسبت به زنان غیرنظامی مناطق اشغال‌شده از سوی سربازان دشمن است. برآورد شده است که تنها در دهه گذشته، ده‌ها هزار کودک در نتیجه تجاوزات دسته‌جمعی یا بهره‌کشی‌های جنسی علیه زنان در خلال جنگ‌ها و اقدامات گروه‌های تروریستی متولد شده‌اند.

هرچند کودکان جنگ، حاصل تجاوزات و خشونت‌ها در خلال جنگ و مخاصمه هستند، بیشترین عرصه حمایت از این کودکان در شرایط اجتماعی پس از جنگ و دوران صلح مطرح می‌شود. تا کنون هیچ سند حقوق‌بشری ویژه حمایت از کودکان ناشی از جنگ تصویب نشده است، هرچند در لابه‌لای قواعد کنوانسیون‌های عام حقوق‌بشری و برخی دیگر از اسناد می‌توان قواعدی را استخراج کرد که به نحوی این کودکان را نیز پوشش داده و قابلیت حمایت از آنان را دارند. آنچه هم‌اکنون جامعه بین‌المللی به آن نیاز دارد، نخست تصویب سند الزام‌آور بین‌المللی در خصوص

حمایت همه‌جانبه از این کودکان است که مشخصاً اعضا را موظف به تصویب قوانین حمایتی ویژه از کودکان جنگ نموده و با ایجاد نظام گزارش‌دهی و امکان طرح شکایات فردی، سازوکارهای نظارتی ویژه را برای کشورها در راستای مقابله با تبعیض علیه کودکان جنگ یا مادران آن‌ها در عرصه‌های مختلف علمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و غیره فراهم آورد. این امر به اعتقاد نگارندگان، تا حدود زیادی از وخامت شرایط این دسته از کودکان در جوامع پس از جنگ کاسته و در مهار جنگ‌طلبان، ستیزه‌جویان، تروریسم‌ها و مرتکبان جرایم بین‌المللی آینده مؤثر خواهد افتاد.

برای جلوگیری و مقابله با سوءاستفاده از کودکان جنگ، دولت‌ها که موظف به حمایت از حقوق کودکان از طریق اجرای استانداردهای بین‌المللی هستند باید نهایت تلاش خود را به کار اندازند. آمارگیری‌های سازمان‌های بین‌المللی معمولاً در جهت بررسی وضعیت کودکان جنگ نبوده و این یکی از خلأهایی است که جامعه بین‌المللی باید در جهت رفع آن تلاش کند. سازمان‌های بین‌المللی با تحقیقات مستمر و دقیق باید دولت‌ها را به حفظ آمارها و نظارت بر وضعیت کودکان جنگ تشویق کنند. نباید همکاری‌های سازمان‌های بین‌المللی به فعالیت‌های تحقیقی محدود شود، بلکه آن‌ها باید تلاش‌های خود را در جهت ارائه پشتیبانی‌های اقتصادی، آموزشی، روانی و اجتماعی به این کودکان و البته مادران آن‌ها سازماندهی کنند. جامعه بین‌المللی باید با نظارت و شدت بیشتری بدون هیچ‌گونه تبعیض از حیث قومیت، اصل و منشأ اجتماعی و غیره، به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حفاظت کودکانی که در قلمرو حاکمیت‌شان حضور دارند توجه کند تا دولت‌ها با اتخاذ تدابیر حمایتی لازم از حجم گسترده کودک‌کشی‌ها نسبت به کودکان جنگ بکاهند. بخصوص سازمان‌های بین‌المللی بشردوستانه باید از آسیب‌پذیری کودکان متولدشده در نتیجه خشونت‌های جنسی علیه زنان در خلال مخاصمات آگاه شوند و با ایجاد تدابیری برای حمایت از حقوق بشری این کودکان، برنامه‌های سلامت باروری قبل از ازدواج و برنامه‌های حفاظت از کودکان را در اولویت‌بندی خود قرار دهند. این سازمان‌ها باید به همراه کمیساری عالی پناهندگان، یونیسف و کمیته حقوق کودک در توسعه چارچوبی که به‌عنوان ابزاری برای جمع‌آوری اطلاعات و ارزیابی ریسک کمک کند و دربرگیرنده حداقل‌هایی از راهبرد مداخله در جهت حفاظت از حقوق بشر کودکان جنگ باشد، تشریک مساعی کنند. راهبرد مداخله در وضعیت‌های خاص برای مقابله با موارد نقض شدید حقوق بشر کودکان جنگ باید توسعه یابد. همچنین گردآوری اطلاعات مربوط به تعداد کودکان رهاسده در بیمارستان‌ها یا در یتیم‌خانه‌ها و نیز برنامه‌هایی برای ترویج پذیرش محلی کودکان رهاسده باید به اجرا گذاشته شود.

از سوی دیگر لازم است که مسئله کودکان جنگ نیز در ردیف مسائلی همچون «سربازگیری کودکان» مورد توجه جامعه بین‌المللی قرار بگیرد و موضوع گزارش‌های سالانه و فعالیت‌های

سازمان‌های بین‌المللی شود. واقعیت آن است که بررسی و پرداختن به این مسائل باید برای فعالان حقوق بشر در زمینه حفاظت از حقوق کودکان در اولویت قرار گیرد.

منابع:

الف. فارسی

- کتاب

- کسسه، آنتونیو؛ حقوق بین‌الملل کیفری، ترجمه: حسین پیران، اردشیر امیرارجمند و زهرا موسوی، جنگل، ۱۳۸۷.
- کلب، رابرت و ریچارد هاید؛ درآمدی بر حقوق مختصات مسلحانه، ترجمه: حسام‌الدین لسانی، مجد، ۱۳۹۴.
- لطفی، عبدالرضا، نادر اخگری‌بناب و محمدرضا فقهی؛ اشخاص مورد حمایت در مختصات مسلحانه، هستی‌نما، ۱۳۹۱.
- مولاوردی، شهیندخت؛ کالبدشکافی خشونت علیه زنان، حقوقدان، ۱۳۸۵.
- هاشمی، سیدمحمد؛ حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، میزان، ۱۳۹۳.

- مقاله

- امیری، فاطمه؛ «توسعه حقوق بین‌المللی کیفری بر پایه جرم‌انگاری ازدواج اجباری به‌عنوان جنایت علیه بشریت توسط دادگاه ویژه سیرالئون»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره بیست‌وهفتم، شماره ۴۳، پاییز - زمستان ۱۳۸۹.
- پورقهرمانی، بابک؛ «نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن»، فصلنامه رواق/ندیشه، سال چهارم، شماره ۲۸، ۱۳۸۸.
- رنجبریان، امیرحسین و مهدیه ملک‌الکتاب خیابانی؛ «دادگاه ویژه سیرالئون؛ فرآیند شکل‌گیری، صلاحیت و مبارزه با بی‌کیفرمانی»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست‌وهفتم، شماره ۴۳، پاییز - زمستان ۱۳۸۹.
- ظهیرشعبان، محمد؛ «جایگاه برابری و مؤلفه‌های آن در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی افغانستان»، کمیسیون حقوق بشر افغانستان، ماهنامه حقوق بشر، سال سیزدهم، شماره ۳، ۱۳۹۴.

ب. انگلیسی

- Books

- Copelon, Rhonda, *Women and War Reader*, New York: NewYork University Press, 1998.

- Enloe, Cynthia, *Maneuvers: The International Politics of Militarizing Women's Lives*, Berkeley: University of California Press, 2000.
- Keck, Margaret; Sikkink, Kathryn, *Activists Beyond Borders: Advocacy Networks in International Politics*, Ithaca: Cornell University Press, 1998.
- LeBlanc, Lawrence, *The Convention on the Rights of the Child: UN Lawmaking and Human Rights*, Lincoln: University of Nebraska Press, 1995.
- Neier, A., *Rape, in War Crimes: Brutality, Genocide, Terror, and the Struggle for Justice*, Random House: New York, 1998.

- Articles

- Becirbasic, Belma; Sestic, Dzenana, "Invisible Casualties of War", *London: Institute for War and Peace Reporting*, vol. 16, no. 3. 2002.
- Carpenter, Charli, "Surfacing Children: Limitations of Genocidal Rape Discourse", *Human Rights Quarterly*, vol. 22, no. 2. 2000.
- Center for Investigation and Documentation (CID), "I Begged Them to Kill Me: Crimes against the Women of Bosnia-Herzegovina", *Sarajevo: Association of Former Prison Camp Inmates of Bosnia-Herzegovina*, vol. 25, no. 5. 2000.
- Daniel, Joana, "No Man's Child: The War Rape Orphans", *MA Thesis, Ludwig Boltzmann Institute for Human Rights*, vol. 36, no. 5. 2003.
- Drakulic, Slavenka, "Women Hide Behind a Wall of Silence", *The Nation*, vol. 54, no. 18. 1993.
- Claudia García-Moreno, and Marleen Temmerman, "Commentary: Actions to End Violence against Women: A Multi-Sector Approach": <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC4318090/>.
- Gaggioli, Gloria, "Sexual Violence in Armed Conflicts: A Violation of International Humanitarian Law and Human Rights Law", *International Review of the Red Cross*, www.icrc.org, Accessed: 11/9/2016, 2015.
- Gaylor, Albert, "The Legacy of Peacekeeper's Kids in Liberia", *Public Agenda*, vol. 15, no. 5. 2001.
- Grieg, Kai, "The War Children of the World", *Bergen, Norway: War and Children Identity Project*, www.warandchildren.org.
- Harding, Luke, "The Other Prisoners", *London Guardian*, vol. 15, no. 6. May 20, 2004.
- Krasniqi, Gëzim, "Country Report on Citizenship Law: Kosovo", *European University Institute, Florence Robert Schuman Centre for Advanced Studies EUDO Citizenship Observatory*, vol. 24, no. 3, 2015.
- Manby, Bronwen, "Citizenship Law in Africa; A Comparative Study", *Open Society Foundations*, vol. 2, no. 17, 2010.

- Mitchell, Kathleen, “Children Born from Rape: Overlooked Victims of Human Rights Violations in Conflict Settings”, *Johns Hopkins University; School of Public Health*, vol. 25, no. 11, 2017.
- Naik, Asmita, “Protecting Children from the Protectors: Lessons from West Africa”, www.fmreview.org/FMRpdfs/FMR15/fmr15.7.pdf.
- Niarchos, Catherine, “Challenges Facing the International Tribunal”, *Human Rights Quarterly*, vol. 17, no. 4, 1995.
- Nkusi, Fred. K., “Intercountry Child Adoption Requires Close Scrutiny”, Available online at: www.newtimes.co.rw/section/read/221399.
- OSCE, “Child Adoption Procedure in Kosovo”, *Department of Human Rights and Communities*, issue 6, 2010.
- Salzman, Paul, “Rape Camps as a Means of Ethnic Cleansing”, *Human Rights Quarterly*, vol. 20, no. 2, 1998.
- Smith, Helena, “Rape Victims Babies Pay the Price of War”, *The Observer*, Available online at: www.theguardian.com, Accessed: 27/2/2017, 2000.
- Stanley, Penny, “Reporting of Mass Rape in the Balkans: Plus Ça Change, Plus C’est Meme Chose? From Bosnia to Kosovo”, *Civil Wars*, vol. 2, no. 2, 1999.
- Stiglmeyer, Alexandra, “Mass Rape: The War against Women in Bosnia-Herzegovina Lincoln”, *University of Nebraska Journal*, vol. 15, no. 5, 1994.
- Toomey, Christine, “Cradle of Inhumanity”, *Sunday Times*, Available online at: www.fmreview.org/FMRpdfs/FMR15/fmr15.7.pdf.
- UNICEF, “Birth Registration; Right from the Start”, *Innocenti Digest*, vol. 32, no. 15, 2002.

Reports

- United Nations Economic and Social Council, The right to the highest attainable standard of health E/C.12/2000/4. (General Comments). 2000. Retrieved Dec. 23, 2004 from [www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/\(symbol\) E.C.12.2000.4.En?OpenDocument](http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/(symbol) E.C.12.2000.4.En?OpenDocument). Retrieved Dec. 11, 2004. www.who.int/about/definition/en/print.html.
- “Women2000: Sexual Violence and Armed Conflict: United Nations Response”, Assesment of the *Department of Economic and Social Affairs*, 1998.